

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: یک هوادار

۱۰.۰۸.۱۰

نامه محرمانه لاریجانی به خامنه ای برای اعدام هزار و صد و بیست زندانی

Today at 9:59am

خبرنگار ندای سبز آزادی کسب اطلاع کرد که رئیس قوه قضائیه با نگارش نامه ای محرمانه به علی خامنه ای، برای اعدام هزار و صد و بیست زندانی کسب اجازه کرده است.

طبق گزارش صادق لاریجانی به رهبر، برای ۱۲۰ نفر حکم اعدام صادر شده و این احکام در دیوان عالی نیز تائید شده و قوه قضائیه منتظر اجازه از رهبری برای اجرای احکام است.

طبق روال عادی در محاکم جمهوری اسلامی، پس از تائید حکم اعدام در دیوان عالی، این حکم اجراء می شود اما در شرایط فعلی با توجه به فشار افکار عمومی دنیا بر مقامات ایران برای توقف این مسأله علیه متهمان و مجرمان، لاریجانی از خامنه ای اجازه خواسته است.

موضوع محکومیت اغلب این اشخاص که احکام اعدام برای آنان صادر شده، مواد مخدر است. اما با توجه فشارهای بین المللی و آمار وحشتناک اعدام در ایران و بازتاب بین المللی و سیاسی آن، اجرای احکام به تأخیر افتاده و رئیس قوه قضائیه در این گزارش از بلاتکلیفی این افراد و قوه قضائیه در اجراء و یا عدم اجرای آن سخن گفته است.

در همین حال طبق گزارشی که رئیس سازمان زندانها به رئیس قوه قضائیه ارایه داده؛ هم اکنون تعداد زندانیان شش برابر بیش از ظرفیت زندانهای موجود است.

گفتنی است در خاتمه سال ۲۰۰۹ میلادی، سازمان عفو بین الملل اعلام کرد در این سال ایران بیشترین آمار اعدام در جهان را پس از چین به خود اختصاص داده است. در این سال ۴۰۰ نفر در ایران اعدام شدند.

این در حالی است که با توجه به جمعیت یک میلیارد و دویست میلیونی چین می توان نتیجه گرفت ایران دارای بیشترین سرانه اعدام در جهان است.

بر اساس گزارش ها از سال ۲۰۰۵ تا کنون هر سال آمار اعدام در ایران افزایش پیدا کرده است در حالی که خلاف ادعای مقامات ایران، این حجم از اعدام نتوانسته هیچ کمکی به کاهش آمار جرم و جنایت بکند. بلکه آمار جرم و جنایت همچنان افزایش می یابد.

مقامات جمهوری اسلامی در کنار اعدام های گسترده و وحشتناک مجرمان، اعدام کودکان زیر هجده سال و همچنین اعدام مخالفان سیاسی را نیز در پرونده خود دارند.

هم اکنون برخی زندانیان سیاسی ایرانی کرد و شماری از متهمان رخدادهای پس از کودتا، با حکم اعدام در زندان هستند.

این افراد با اتهام محاربه مواجه شده اند.

به نظر می رسد اگرچه فشارهای بین المللی برای توقف اعدام های فله ای در ایران تا حدودی موثر بوده اما همزمان باعث ایجاد نوعی لج بازی توأم با پنهان کاری در دستگاه قضائی ایران شده است. چرا که با وجود احادیث و سفارشات اکید مذهبی به منظور تلاش برای نجات اشخاص از قصاص، قضات و مقامات ایران روی خوشی به این تلاش ها نشان نمی دهند و برای اعدام اشخاص تلاش می کنند. به عنوان مثال سال گذشته و پیش از اعدام بهنود شجاعی، که در سن کودکی مرتکب جرم شده بود، تعدادی از هنرمندان سینما با اعلام شماره حسابی برای جمع آوری دیه مقتول کوشیدند به بهنود کمک کنند اما با واکنش قهرآمیز دستگاه قضائی مواجه شدند. پس از آن قاضی پرونده نیز در مصاحبه ای به این اقدام هنرمندان به شدت اعتراض کرد و گفت که متهم پرونده باید اعدام شود. بهنود شجاعی در نهایت اعدام شد.

در نمونه دیگری، دستگاه قضائی چندی پیش علیه محمد مصطفائی، وکیل دادگستری که کوشیده بود تعدادی از زندانیان اعدامی را با جمع آوری دیه نجات دهد اعلام جرم کرد!

گفتنی است در ادبیات رهبر و دیگر مسئولان جمهوری اسلامی کلمه "اقتدار" جایگاه ویژه ای دارد. اما به نظر میرسد این اقتدار صرفاً در داخل کشور و در برخورد با مردم ایران و نیز با کلمه "دار" عجین شده است. چنانکه حتی بین سیاسیون جمهوری اسلامی اعدام و طناب دار همواره راه حل بسیاری از مشکلات نامیده شده است. مثلاً در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم، کاندیدای جریان سنتی اصولگرا یعنی علی لاریجانی که هم اینک ریاست مجلس را بر عهده دارد، در پاسخ به سؤال یکی از هواداران درباره بدحجابی گفته بود که به اعتقاد او اگر یک دختر بد حجاب در ملا عام اعدام شود، مشکل بد حجابی ریشه کن خواهد شد!

این در حالی است که در تعداد بسیار زیادی از کشورهای دنیا و تمامی کشورهای اروپائی حکم اعدام به کلی لغو شده بی آنکه بر آمار جرم و جنایت در این کشورها افزوده شده باشد.

در ایران این روند به عکس است. یعنی آمار اعدام و آمار جرم به شدت در حال افزایش است و برخورد های قهرآمیز و سرکوب گرایانه حکومت کمکی به حل معضلات اجتماعی نکرده است.

بر اساس آمار های موجود دلیل اصلی بسیاری از جرم ها در ایران فقر و وضعیت وخیم اقتصادی میان اقشار ضعیف جامعه است. وضعیتی که خصوصاً در سالهای اخیر و به اساس سیاست های دولت نهم و دولت فعلی به سمت وخامت گرائیده است